

فیلم شکنجه مجریان قتل‌های زنجیره‌ای را چگونه باید دید؟

حلقه‌های پیوند در مافیای ج ۱۰

نماینده مدعی اطلاع از محاکمات غیر علنی شکنجه گران متهمین قتل‌های زنجیره‌ای را

برای شرح اطلاعات خود به پشت میکر فن مجلس شورای اسلامی باید فراخواند!

نمایندehای که بیش از رئیس مجلس می‌داند

ماجرای شکنجه عده‌ای از بازجوها و شکنجه‌گران وزارت اطلاعات و امنیت توسط عده‌ای دیگر از شکنجه‌گران و بازجویان همین وزارتخانه و سازمان قضائی نیروهای امنیتی و فیلمی که از این ماجرا ابتدا در مجلس پنجم نشان داده شد و سپس به خارج از کشور راه یافت یکبار دیگر در مطبوعات مطرح شده‌است. در جریان این شکنجه و اعتراف‌گیری، شکنجه‌گران سعی دارند بازداشت‌شدگان را که متهم به دست داشتن در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای هستند و با آنها دوست و همکار قدیمی بوده‌اند به این اعتراف وادارند که انحراف اخلاقی داشته‌اند و اگر اسرائیلی و یهودی نباشد، حداقل بهائی و یا شجره بهائی و یهودی دارند و به اسرائیل رفت و آمد کرده‌اند.

در این ماجرا متهمین تحت فشار و شکنجه قرار می‌گیرند تا به نحو مشمئزکننده‌ای به روابط جنسی میان خود اعتراف کنند، از جمله این اعترافات زیر شکنجه و شرم‌آور مربوط به همسر سعیدامامی معاون سیاسی وزارت اطلاعات و امنیت در زمان علی فلاحیان و درّی نجف‌آبادی است، که کلام از بیان آن شرم دارد.

در سراسر این نوار و این ماجرا، آنچه ناپیداست و تلاش می‌شود فراموش شود همان نکته محوری، یعنی دست‌های پشت صحنه قتل‌های زنجیره‌ای، فتوا دهندگان این قتل‌ها و خود این جنایت از یکسو و صحنه سازی به نوعی است که گوئی دستور این بازجویی و شکنجه توسط شخص محمدخاتمی صادر شده‌است. همین تلاش آخر، خود بازگو کننده نقش مخالفان اصلاحات و مخالفان خاتمی در این ماجراست و اتفاقاً، اگرچه در داخل کشور مردم قربانی این توطئه نشدند، در خارج کشور سلطنت طلب‌ها، مجاهدین خلق و آن چند گروه و سازمانی که نقش کارگزار مافیای امنیتی در جمهوری اسلامی را در برهم زدن کنفرانس برلین داشتند مبلغ و مدافع همین توطئه شده و همسو با توطئه گران داخل کشور، همین سیاست را تبلیغ می‌کنند!

در روزهای اخیر روزنامه‌های طرفدار اصلاحات، یکبار دیگر خواهان رسیدگی به این ماجرا و ریشه‌یابی آن شده‌اند. به محض بالا گرفتن دوباره این موضوع در مطبوعات، اینبار نه مطبوعات وابسته به محافل مافیائی که مدیران برخی از آنها خود مستقیماً متهم به دست داشتن در کل ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و ماجراهای وابسته به آن هستند (از جمله مدیرمسئول کیهان) بلکه یکی از نمایندگان فراکسیون وابسته به مخالفان اصلاحات در مجلس ششم برای جلوگیری از ادامه این بحث در مطبوعات وارد میدان شد؟

عبدالرحیم بهاروند نماینده خرم آباد در مجلس ششم، که نگفته‌است چه ارتباطی، از چه طریق با دادسرای نظامی و یا قوه قضائیه دارد که از جزئیات فعالیت‌های پشت پرده و غیر علنی این دو ارگان قضائی با خبر است در گفتگوئی با روزنامه رسالت، یعنی یکی از چند سخنگوی جناح راست و مدافع آمرین و نقش آفرینان حوادث جنائی و توطئه‌های سال‌های اخیر علیه اصلاحات و دولت خاتمی مدعی شد که شکنجه گران متهمین قتل‌های زنجیره‌ای تحت محاکمه‌اند!

همه مردم ایران بخاطر دارند که پس از افشای قتل‌های زنجیره‌ای، رهبر جمهوری اسلامی طی سخنانی در نماز جمعه تهران سرخ این جنایت را به خارج از کشور و محافل اسرائیلی و صهیونیستی وصل کرد. او که مستقیماً بر تمام سیستم مدیریت و رهبری سازمان وزارت اطلاعات و امنیت نظارت دارد و قطعاً یکی از پاسخگویان به هر رویداد وابسته به نیروهای امنیتی و نظامی، بعنوان فرمانده کل قواست، در جریان این نماز جمعه گفت که قتل فروهرها و ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای یک توطئه خارجی است! این از سر اتفاق نیست که تمام تلاش بازجویان و شکنجه‌گران متهمین قتل‌های زنجیره‌ای نیز در جهت اثبات همین تئوری رهبر بوده است و در این میان روابط جنسی و اخلاقی مشمئزکننده را نیز چاشنی آن کرده‌اند! و باز این از سر اتفاق نیست که همین بازجویان و شکنجه‌گران، پس از آنکه بدستور خاتمی ستاد شکنجه و اعتراف‌گیری آنها کشف و دستور بازداشت آنها صادر شد، طی نامه‌ای که نام آن را دردنامه خود

گذاشته‌اند، خطاب به "رهبر" تاکید کرده‌اند که اگر جلوی کار آنها را خاتمی نمی‌گرفتند، آنها اعترافات بیشتری از متهمین قتل‌های زنجیره‌ای در راستای همان تئوری، تحلیل و نظر رهبر در نماز جمعه تهران می‌گرفتند و باز تهدید کرده‌اند که در صورت جلوگیری از ادامه کار آنها، کل اعترافات را منتشر خواهند کرد. پخش ماجرای این اعتراف گیری و فیلم مربوط به آن ادامه همین تهدید است! (صفحات پایانی جزوه ۸۰ صفحه‌ای اعترافات) نماینده خرم آباد در مجلس ششم، دقیقاً در ادامه همین سناریو و بعنوان مطلع از محاکمه بازجوهای شکنجه‌گر وارد میدان شده و با طرح دو اتهام، که هر دو آنها هماهنگی کامل با کل ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و اهداف آمران و دست‌های پشت صحنه این جنایت دارد به روزنامه رسالت می‌گوید:

۱- «بازجویان زیر نظر هیاتی سه نفره که منتخب رئیس جمهور بوده‌اند عمل می‌کردند و به طور کامل در اختیار مسئولان قضائی نبوده‌اند»

۲- «نوار از سوی یکی از عوامل دفتر بازرسی ویژه دفتر رئیس جمهور در اختیار یکی از فرزندان آقای منتظر قرار داده شد و او هم نوار را به خارج از کشور فرستاد.»

از آنجا که مطبوعات تحت فشار محافل مافیائی و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی نمی‌توانند واقعیات مسلمی را که می‌دانند با صراحت بنویسند و منتشر کنند، آنچه را در ادامه و بعنوان مروری بر ماجرای فیلم اعترافات زیر شکنجه متهمین قتل‌های زنجیره‌ای می‌خوانید کوششی است برای جبران این تنگنای مطبوعات داخل کشور، چرا که بی شک مدیران این مطبوعات بیشتر از ما می‌دانند کل ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای که دو روزنامه نگار افشاء پیگیر در افشای آن اکنون در زندان بسر می‌برند (اکبر گنجی و عمادالدین باقی) به کجا وابسته‌است و ریشه در کدام نهاد و دستگاه و محفل مافیائی دارد. رسیدن نوار ویدیویی شکنجه تعدادی از متهمین قتل‌های زنجیره‌ای توسط تعدادی دیگر از شکنجه‌گران و بازجوهای وزارت اطلاعات و سازمان قضائی نیروهای انتظامی به خارج از کشور و پخش بخش‌هایی از آن توسط شبکه رادیویی "بی‌بی‌سی" یکبار دیگر ماجرائی را از عمق به سطح منتقل کرد، که در بطن جنبش عمومی مردم ایران همیشه مطرح است.

به اصل ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای باید بازگشت!

نوار ویدیویی شکنجه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای، اگر اهمیتی در حد کنجکاوی پیرامون محتوا و ماجرای تهیه آن داشته باشد، سوای نحوه انتقال آن به خارج از کشور و پخش آن از شبکه رادیویی بی‌بی‌سی در مرور رویدادهای توطئه‌آمیز و نقش رهبر، نهاد رهبری و ارگان‌های تحت فرمان او در این توطئه‌ها و حوادث است. این بررسی باید چنان ادامه یابد و چنان هدایت شود تا کارنامه ۱۰-۱۲ ساله رهبری علی‌خامنه‌ای در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاست خارجی، سیاست داخلی، مجراهای امنیتی، تشکیل سازمان‌های مخفی اطلاعاتی، نحوه و دلیل برتری یافتن چند آیت‌الله نظیر احمدجنتی و آیت‌الله شاهرودی بر دهها و بلکه صدها آیت‌الله دیگر در حوزه‌های مذهبی ایران، دلیل برگمارگی رهبران حزب مورد نفرت مردم ایران "موتلفه اسلامی" در مجمع تشخیص مصلحت نظام، دلیل برگمارگی نفر سی و سوم انتخابات اخیر مجلس ششم "هاشمی رفسنجانی" به ریاست مجمع تشخیص مصلحت، دلیل و مشخصات مورد نظر برای سپرده شدن فرماندهی سپاه و بسیج به فرماندهانی که در ۱۰ سال اخیر در راس قوای نظامی کشور قرار گرفته‌اند و... را شامل شود!

این نوار بدون توجه به سیر ماجرای رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و بویژه جزوه ۸۷ صفحه‌ای که شکنجه‌گران منتشر کردند و در آن رسماً و مستقیماً گفتند که با رهنمود رهبر از متهمینی که فیلم آن اکنون در دسترس است بازجویی کرده‌اند ناممکن و ناقص است. به همین دلیل جزوه ۸۷ صفحه‌ای را یکبار دیگر ورق زده‌ایم. این مراجعه به گذشته و به آن جزوه ضروری بود زیرا:

۱- بسیاری از رهبران و هدایت‌کنندگان توطئه‌ها بر این تصورند که حافظه مردم مشمول مرور زمان می‌شود و بسیاری از اخبار و آگاهی‌ها در طی زمان از بین می‌رود. مرور و باز یادآوری جزوه ۸۷ صفحه‌ای مقابله‌ایست با اندیشه خام فراموشکار مردم!

۲- در جزوه ۸۷ صفحه‌ای که توسط همین شکنجه‌گران و آمران آنها تهیه شده، آنها خود را مجری فرمان رهبر اعلام می‌کنند. بنابراین، ضرورت دارد بلکه نقش "رهبر" در کل این ماجرا مشخص شود.

سیری در پیگیری حقوقی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، با انگیزه روشن شدن دست‌های پشت پرده فیلم شکنجه متهمین قتل‌ها!

از فرمان قتل تا فرمان شکنجه

این برای نخستین بار نیست که در جمهوری اسلامی کسانی شکنجه می‌شوند و یا به اعترافات دروغ وادار می‌گردند. ولی این برای نخستین بار است که فیلم‌ها و صحنه‌های شکنجه متهمان آشکارا به نمایش در می‌آید، گرچه مربوط به دو گروه شکنجه‌گر باشند که برای در سایه قرار دادن مهره اصلی مافیای جنایت در جمهوری اسلامی به جان هم افتاده‌باشند!

بخش کوچکی از فجایعی که دیروز بر سر زندانیان سیاسی رفت، یا با سعیدی سیرجانی و عزت الله سحابی شد امروز در برابر چشم همگان قرار گرفت. نمایش صحنه های هولناک و چندی از بازجویی ها و روش های اعتراف گیری مرسوم در زندان ها و بازداشتگاه های آشکار و مخفی جمهوری اسلامی همگان را در این اندیشه فرو می برد، که آنان که با "خودی" ها و همکاران دیروز خود چنین کردند با دگراندیشان و وابستگان سازمان های سیاسی "غیرخودی" چه کردند!

با به نمایش در آمدن این فیلم این پرسش نیز مطرح میشود که اینهمه درنده خویی برای چه بود و چه هدفی را دنبال می کرد؟ بازجویان متهمان قتل های زنجیره ای برای حمایت از چه کسانی و برای آشکار نشدن چه واقعیت هایی تا این مرحله از شقاوت و بی حیائی پیش رفتند، که قلم از بیان آنچه چشم دیده شرم دارد؟ این متهمان چه اطلاعاتی داشتند که نباید فاش میگردید یا نباید بدانها پرداخته میشد؟ سند معتبر!

اما جزوه موسوم به هشتاد و هفت صفحه پس از آن منتشر شد که زیر فشار محمد خاتمی هیاتی برای رسیدگی به پرونده متهمان قتل های زنجیره ای و اعترافات که از آنها زیر فشار گرفته شده تعیین شد. این هیئت پس از خوانی پرونده بازجویی ها و اعترافات متهمان، کل پرونده ساخته شده از سوی سازمان قضایی نیروهای مسلح را بوچ و غیرواقعی اعلام کرد. پس از این اعلام نظر، فشار مطبوعاتی و حکومتی به بازجویان پرونده (که در نوار ویدئویی مورد بحث حضور دارند) افزایش پیدا کرد. این فشار آنقدر سنگین بود که آنان، از بیم بازداشت و افتادن زیر دست عده ای دیگر از شکنجه گران و بازجوها از یک طرف و بیم از پیگرد قانونی با هدایت هیات مورد نظر ریاست جمهوری (محمدخاتمی) ناگزیر زبان باز کردند و بطور ضمنی تهدید کردند اگر فشار به آنان افزایش یابد بقیه اطلاعات خود را در اختیار عموم خواهند گذاشت.

در واقع جزوه هشتاد و هفت صفحه ای نها بخشی از اطلاعات شکنجه گران متهمان قتل های زنجیره ای بود و بنا بر موخره و مقدمه ای که شکنجه گران و منتشر کنندگان جزوه نوشته اند ۷۷ صفحه دیگر جزوه فقط در اختیار برخی افراد خاص - که هویت آنان معلوم نیست - گذاشته شده است.

بخش غالب و تقریباً نود درصد جزوه ۸۷ صفحه ای به تلاش برای توجیه اقدامات بازجویان که از آنان به عنوان "کارشناس" نام برده میشود و اثبات اتهامات اخلاقی و ادعای بهایی و یهودی بودن متهمان اختصاص دارد. اما همان ده درصد بقیه کافی است تا رد حامیان شکنجه گران سازمان قضایی نیروهای مسلح را یافت و مورد نظر قرار داد.

باز خوانی پرونده قتل های زنجیره ای

در آذر ماه سال ۱۳۷۶ در حالیکه هنوز چند ماهی از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری نگذشته بود، داریوش فروهر و همسرش بطرز فجیعی کشته شدند. بلافاصله رئیس جمهور یک کمیته تحقیق با عضویت یونسی، سרمدی و علی ربیعی (عباد) برای رسیدگی به این قتل تشکیل داد. چند روزی پس از تشکیل این کمیته محمد مختاری و محمد جعفر پوپنده نیز کشته شدند.

با آغاز کار کمیته و شروع بررسی های آن، مجریان قتل های زنجیره ای در یافتند که محکوم کردن قتلها توسط محمد خاتمی و اراده به مبارزه و یافتن عاملین آن جدی است. دو نفر از آنان به رئیس جمهور مراجعه کرده و دری نجف آبادی وزیر وقت اطلاعات را آمر و دستور دهنده قتلها معرفی کردند. دری نجف آبادی این ادعا را تکذیب و مجریان قتلها را "عناصر خودسر" معرفی کرد. کمیته تحقیق دری نجف آبادی را دو بار و به مدت هفت ساعت مورد بازجویی و مواجهه با مجریان قتل های زنجیره ای قرار داد. بازجویان متهمان قتل های زنجیره ای که یکی از آنان معاون دری و همچنین شاهد وی برای اثبات در دست نداشتن او در این قتلهاست، در جزوه خود جابجا بشدت از دری نجف آبادی حمایت می کنند و مدعی هستند که: "تلاش های انفرادی آقای دری در انجام بعضی تحقیقات و با صدور بعضی دستورات کتبی خطاب به حفاظت نیز ره به جایی نبرد و آقای دری که قبلاً در ذهن ریاست محترم جمهوری عنصری مظنون تلقی میشد، در ذهن پرسنل وزارت نیز با بعضی اقدامات مرموز به سوژه ای غیر قابل اعتماد تبدیل شد که شهامت پایداری بر قول خود را ندارد و برای نجات خود عناصر خدوم و متدین را به قربانگاه میبرد!!"

زیر فشار خاتمی، دری نجف آبادی ناگزیر به مطرح کردن مسئله در تلویزیون و سپس استعفاء شد. با طرح مسئله در سطح جامعه، پرسشها در مطبوعات اصلاح طلب و در نزد مردم در مورد دلایل این قتل و چگونگی و چرایی و انگیزه عاملین و آمرین قتل های زنجیره ای بالا گرفت.

رهبر جمهوری اسلامی که در جلد شاه سرنگون شده در هیچ موردی و به هیچ سوالی در برابر ملت نمی خواهد پاسخگو باشد نگران از سیر امور و پاسخی که در آینده باید برای افکار عمومی و مردم ایران در قبال مسئولیت خویش در این ماجرا ارائه دهد و برای جلوگیری از ادامه بررسی های کمیته تحقیق رئیس جمهور، در موضوع مداخله مستقیم کرد. او به قصد تبرئه ده سال رهبری خود سناریوی خارجی و نفوذی بودن عوامل قتلها را پیش کشید.

شکنجه گران و بازجویان متهمان قتل های زنجیره ای، همان جزوه ۸۰ صفحه ای این شرایط را چنین توصیف میکنند: «خستگی و نگرانی بر همه دلسوزان انقلاب که شاهد فتنه ای شوم بودند هر روز بیش از روز قبل مستولی می گردید تا بالاخره سخنان آرام بخش و تحلیل های کارشناسانه مقام معظم رهبری در نماز جمعه ماه مبارک رمضان آن سال در ۱۳۷۷/۱۰/۲۵ که در آن با معرفی دقیق چهره مقتولین، احتمال هدایت این عملیات شوم توسط سرویس های اطلاعاتی بیگانه را اول بار مطرح نمود آرامشی متین به خیمه گاه نیروهای انقلاب حاکم نمود.» ص ۲

بدنبال این سخنان رهبر، تحت عنوان ضرورت رسیدگی دقیق به پرونده ای مهم که در آن دست موساد و عوامل خارجی در کار است به کار کمیته تحقیق سه نفره رئیس جمهور خاتمه داده شد و برای آنکه پرونده بطور مستقیم زیر نظر خود وی و برای گرفتن نتایج مورد نظر او ادامه پیدا کند، نه فقط وزارت اطلاعات از آن کنار گذاشته شد بلکه حتی اجازه دخالت قوه قضاییه نیز داده نشد و پیگیری آن به سازمان قضایی نیروهای مسلح که مستقیماً زیر نظر

رهبری و فرماندهی کل قوا عمل می‌کند، سپرده شد تا بدینوسیله شرایط برای آنکه سناریوی اعلام شده توسط رهبر در نماز جمعه ۲۵-۱۰-۷۷ تحقق پیدا کند.

سازمان قضایی نیروهای مسلح و سر پرونده

نویسندگان جزوه ۸۷ صفحه‌ای که اکنون نوار ویدئولی بازجویی و شکنجه تعدادی از متهمین توسط آنها در دسترس است، می‌نویسند: «در واقع آغاز تحقیقات و بازجویی متهمین در همین فصل بود و با اعتمادی که به آقای نیازی در بین مسئولین موجود بود وی توانست چهار تن از عناصر قدیمی و خوش سابقه وزارت اطلاعات را که با سوابقی چون معاونت وزیر، مدیر کل و مسئول اداره شناخته شده بودند به مرور به همکاری دعوت نماید و پرونده در مسیر ضروری خود به جریان بيفتد».

این چهار تن عناصر به اصطلاح خوش سابقه همان شکنجه گران و بازجویانی هستند که امروز فیلم جنایت‌های آنان به نمایش درآمده است و خود در مقدمه جزوه ۸۰ صفحه‌ای نوشته‌اند که بدنال سخنان آرام‌بخش رهبر و توسط سازمان قضائی نیروهای مسلح آنها مشغول کار (شکنجه و اعتراف گیری) شده‌اند!

بازجویی از متهمان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به این شکل شروع شد. از این بازجویی‌ها هیچ اطلاعاتی به بیرون منتشر نشد. خود بازجویان در این مورد می‌گویند: «طرح مکشوفات جدید به حدی مشکل می‌نمود که تا مدت‌ها از حد کارشناسان پرونده و آقای نیازی بعنوان مسئول پرونده بیرون نرفت»

اولین خبرها- در خرداد ماه ۷۸ و در حالیکه پرونده از زیر نظر هیات منتخب رئیس جمهور خارج شده و سازمان قضائی نیروهای مسلح آن را بدست گرفته بود تا سناریوی رهبر را تحقق بخشد، ابتدا خبر خودکشی سعید امامی برای نخستین بار در روزنامه‌ها مطرح شد و اقدامات سازمان قضایی نیروهای مسلح علناً از جانب مردم و مطبوعات اصلاح طلب به پرسش کشیده شد. رهبر، بدنال واکنش‌های اجتماعی در تاریخ ۷۸/۴/۱ با حضور بازجویان متهمان قتل‌ها (همان‌ها که اکنون نوار فیلمشان در اروپا پخش است) سران کشور را دعوت کرد تا با توضیحات این بازجویان «ابهامات آنان برطرف شود». یعنی سران سه قوه پای صحبت و استدلال بازجوهای بنشینند که از شکنجه‌گاه اعترافات و اخباری در جهت تحلیل رهبر در نماز جمعه آورده‌اند! سخنان بسیار شتابزده و پراکنده رهبر در این دیدار، که آشکارا محافل مافیائی جنایات را در حاشیه قرار می‌دهد چنین است:

«آقایان سران قوا که امشب شما را دعوت کرده‌ام بخاطر بحث و مسئله مهمی است که دیروز به آقای خاتمی گفتم و خواستم ایشان جلسه بگذارند و شما را دعوت کند. امروز نگران شدم شاید دیر شود و لذا گفتم شما امشب اینجا تشریف بیاورید و به گزارش دوستان گوش دهید و هر چه سؤال دارید طرح کنید تا مسئله روشن شود. این آقایان به تنهایی نمی‌توانند این بار سنگین را حمل کنند همه باید کمک کنند»

رهبر، تلویحاً اعتراف کرد که خاتمی پیشنهاد وی را برای تشکیل جلسه مورد نظر رهبر نپذیرفته و به همین دلیل وی خود اجباراً ابتکار عمل برای تشکیل این جلسه را بدست گرفته‌است.

در این جلسه، که غیر از سران سه قوه، عده‌ای از محارم و مشاوران رهبر (از جمله ناطق نوری) و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (رفسنجانی) نیز حضور داشت، ناگهان همه کسانی که تا دیروز زیر گوششان قتل و جنایت انجام می‌شد و ککشان هم نمی‌گزید "کیس" را خیلی مهم ارزیابی کردند!

«در همین جلسه خاتمی پیشنهاد کرد که برای قتل‌ها دادگاه تشکیل شود و به بقیه کیس جداگانه رسیدگی شود؛ اما رهبر اعلام نمود امکان جداسازی فتنه قتل‌ها از اصل کیس فراهم نیست» (نقل از جزوه ۸۰ صفحه‌ای با تصحیح جمله بندی از نظر فارسی و افعال در عبارات)

رهبر، که از پیش سناریو را تنظیم کرده بود، در پایان جلسه حکم خود را صادر کرد و دستگیرشدگان را متهمین و مجرمین اول و آخر ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای معرفی کرد و همه آمران و صادر کنندگان فتاوی قتل‌ها را تبرئه کرده و به این ترتیب مطبوعات را نسبت به عبور از این خط قرمزی که وی تعیین کرد ممنوع اعلام داشت. او گفت:

«در این جریان قبای دزد لای در گیر کرده و دارد جنجال می‌کند تا فرار کند. شما باید هنرمندانه نگذارید فرار کند... چه شما بتوانید این پرونده را به نتیجه برسانید و چه نتوانید در محکمه دل من حکم صادر شده است!»

شکنجه گران و بازجویان متهمان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در جزوه خود مینویسند: «فرمایشات آقا برای کارشناسان پرونده شاید آنچنان که بعدها واضح و روشن شد در آن شب معنای خود را هویدا نمیکرد اما گرمی بخش دل آنها بود تا علیرغم تعداد کم و کمبودهای بسیار به رضایت ایشان از جدیت در پیگیری امور امیدوار باشند...»

بالافاصله شکنجه گران دست بکار شدند تا اسناد و مدارک لازم را برای اجرای حکمی که در محکمه دل رهبر صادر شده بود، فراهم کنند. حاصل این تلاش و آن حکم، همین نواری اعترافات شرم‌آور زیر شکنجه است که حال در معرض دید افکار عمومی است و اگر روزی بخواهند تلویزیون‌های بین‌المللی برای فراهم سازی و آماده سازی افکار عمومی جهان جهت یورش نظامی به ایران یورش تبلیغات به ایران بیاورند، همگان خواهند دید که از صحنه‌های چندش‌آور این فیلم و عکس‌های خبری چندی سال اخیر -نظیر مراسم اعدام یک دختر چادر به سر به جرم فساد- چه استفاده‌ای خواهد شد.

گام بعدی

پس از این جلسه و دیدار، رهبر کمیته هایی را نه برای پیگیری و رسیدگی به پرونده قتل‌ها، بلکه برای تبلیغات و حمایت از بازجویان پرونده تشکیل داد و از رئیس جمهور نیز خواست تا نمایندگان خود را معرفی کند. جلسات سیاست گذاری با شرکت یونسی وزیر اطلاعات، علی ربیعی (عباد) از شورای عالی امنیت ملی، علی منفرد و خسرو تهرانی مشاورین ریاست جمهوری، نیازی و یکی از کارشناسان پرونده تشکیل شد. شکنجه گران معترض شدند که چرا از آنان برای شرکت در این جلسه دعوت نشده و محمد خاتمی با آنان ملاقات نکرده است. به گفته آنان «از کارشناسان پرونده که مقام معظم رهبری تاکید بر حضور آنها در جلسات داشتند، دعوتی بعمل نیامد و تا آخرین روز حتی یکبار آقای خاتمی با آنها ملاقاتی نکرد!»

در این فاصله عده دیگری دستگیر شدند. شکنجه گران و بازجویان پرونده قتل‌های زنجیره ای برای توجیه آنکه چرا جز رهبر هیچ اطلاعاتی را در اختیار کس دیگری قرار نداده‌اند، عدم پخش نکات پرونده را وسیله‌ای برای کشف عاملین و رابطین آنان وانمود کرده و می‌نویسند: «با توجه به حفاظت دقیقی که در خصوص عدم انعکاس اقراریه متهمین قبلی بدست آمده بود، این عده (جدید دستگیر شدگان) از عمق اطلاعات بدست آمده در خصوص محفل و جنایات آنها بی اطلاع بوده و تقریباً اکثر آنها در کمال ناباوری در روزهای اول به تناقض گویی دچار شدند که دیری نپایید به تسلیم اطلاعاتی تبدیل شد.»

با گذشت یکسال از حادثه قتل‌ها به جز خبر خودکشی سعید امامی هیچ اطلاعات دیگری از سوی سازمان قضایی نیروهای مسلح در مورد دستگیرشدگان و دلایل دستگیری و نتایج بدست آمده از بازجویی‌ها منتشر نگردید. این امر فشار افکار عمومی را بر روی سازمان قضایی افزایش داد.

برای کاهش و مقابله با این فشارها، سرانجام در آبان ماه ۷۷ فیلمی از اقراریه متهمان تهیه، سانسور و گزینش شد و برای پخش در اختیار رادیو و تلویزیون قرار گرفت و حتی زمان نمایش آن نیز اعلام شد. در واقع سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظر داشت با نمایش این فیلم، روایت منحرفی که از انگیزه‌های متهمان پرونده قتل‌ها ساخته بود را روی دست اصلاح طلبان بگذارد؛ بنحوی که موضوع برای همیشه مغشوش باقی بماند. با اعلام تهیه این فیلم و فشار برای پخش بخش‌هایی از آن از تلویزیون لاریجانی فضای سیاسی کشور تا مدتها تحت تاثیر مبارزه بر سر نمایش یا عدم نمایش این فیلم قرار گرفت. نمایندگان طرفدار اصلاحات در مجلس شورای اسلامی بشدت با نمایش آن مخالفت کردند، تا جایی که سازمان قضایی نیروهای مسلح ناگزیر شد ابتدا فیلم اعترافات را در مجلس به نمایش بگذارد تا بلکه زمینه را برای پخش تلویزیونی آن آماده کند. در تمام این دوران جناح راست و بیش از همه موفقه اسلامی، که همیشه از اخبار شکنجه‌گاه‌ها بیش از دیگران با اطلاع است (!) خواهان نمایش فیلم شد. نشریه‌های «شما» و «رسالت» که ارگانهای موفقه اسلامی و مخالفان اصلاحات هستند، مخالفت طرفداران رئیس جمهور را با نمایش این فیلم نشانه همکاری آنان با باند سعید امامی تبلیغ کرد. برای اینکه بدانیم مضمون این فیلم به اصطلاح اعترافات چیست و در چه سطحی است فقط کافی است به گوشه‌هایی از اعترافات مصطفی کاظمی معروف به موسوی، در متن جزوه ۸۰ صفحه‌ای توجه کنیم. مصطفی کاظمی در اعترافات خود از جمله میگوید:

«اجداد ما یهودی زاده‌هایی بودند که با هدایت انگلیس یهودی بودن خود را مخفی کرده و با ایجاد فرقه بهائیت به این مسلک گرویدند..... ما در اصل یهودی هستیم ولی به مسلک و فرقه سیاسی بهائیت گرویده ایم. یعنی مجموعه‌ای بی اعتقاد و خبیث که جز تخریب اسلام هدف دیگری نداریم و اکثراً نیز خود را به دروغ سید معرفی می‌کنیم. ما از حدود ۱۲ سالگی می‌دانستیم بهائی هستیم و از حدود ۱۸ یا ۱۹ سالگی فهمیدیم که در واقع یهودی هستیم. خود من هم که از سال ۱۳۶۲ با هدایت عموم علی جعفر وارد کمیته شدم در ایران خود را بهائی میدانم. اصولاً تا محفل سعید اعلام موجودیت رسمی نکند همه ما بهائی تلقی می‌شویم چون بهائیت سبیل دشمنی با نظام دینی در ایران است»

این نمونه‌ای از اعترافات و در واقع لاطائفاتی است که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی تهیه شده و روزنامه رسالت مدعی بود که مخالفت رئیس جمهور و طرفداران وی با پخش آنها نشانه وابستگی آنان به باند سعید اسلامی است! این هذیان گویی‌ها که سراسر جزوه ۸۷ صفحه‌ای انباشته از آن است در عین حال نشان دهنده پیوند معنوی بازجویان متهمان قتل‌های زنجیره‌ای با سازمان ضد بهائیت و انجمن حجتیه نیز هست.

اما شکنجه گران مدعی هستند که «فیلم تهیه شده» - به دلیل تیرئه آقای دری (نجف آبادی) - در جلسه‌ای در شورای عالی امنیت ملی توسط عناصر مرموزی چون علی ربیعی (عباد) و پور نجاتی و امین زاده هو شد و علیرغم وجود استدلال‌های بسیار قوی مجوز پخش نگرفت!»

فیلمی که از اعترافات متهمان قتل‌های زنجیره‌ای تهیه شده بود در واقع نتیجه معکوس داد. اگر تا آن روز حداقل تردیدی درباره انگیزه‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح از پنهان کردن اخبار و عدم اجازه ملاقات با متهمان پرونده وجود داشت این تردیدها نیز از بین رفت. محمد خاتمی در یک سخنرانی علناً اعلام داشت که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به انحراف رفته است. وی ضمناً در یک مصاحبه مستقیم تلویزیونی اعلام نمود که پس از انحلال کمیته تحقیق اولیه از میسر پرونده و بازجویی‌ها هیچ اطلاعی ندارد.

اعتراضات طرفداران اصلاحات به مسیر پرونده قتل‌های زنجیره‌ای رهبر را وادار کرد تا مجدداً در تاریخ ۷۸/۹/۱ جلسه‌ای را برگزار کند. در این جلسه رهبر ضمن تایید اصل «کیس» - یعنی مسیر پرونده - ناگزیر شد خواست رئیس جمهور برای تعیین هیئت جدیدی برای بازخوانی پرونده را بپذیرد. البته با شروطی به شرح زیر:

پس از چند روز هیات سه نفره جدیدی برای بازخوانی پرونده تشکیل شد. این سه نفر پس از ملاقات با روسای دو قوه به محل نگهداری متهمین رفته و مطالعه پرونده ها را در زمستان ۱۳۷۸ آغاز کردند که ۴۵ روز ادامه یافت. پس از مطالعه پرونده ها، هیئت جدید از ارائه مضمون گزارش خود به بازجویان سابق و حتی هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه خودداری کرده و اعلام داشت تنها در جلسه ای با حضور رئیس جمهور گزارش را قرائت خواهد کرد. گزارش همین هیئت است که کل پرونده ساخته شده توسط بازجویان سازمان قضایی نیروهای مسلح را پوچ و غیرواقعی ارزیابی کرد.

در اسفند ماه ۱۳۷۸ بازجویان سازمان قضایی نیروهای مسلح منتظر نظریه روسای قوای اجرایی و قضایی ماندند. رئیس جمهور حتی حاضر به ملاقات با آنان نشد. اما هاشمی شاهرودی آنها را به نشستی دعوت کرد که حدود ۵ ساعت به درازا کشید. شاهرودی به بازجویان پرونده یک هفته فرصت داد تا گزارش نهایی را تهیه کنند. به نوشته بازجویان پرونده قتل‌های زنجیره ای در طی این مدت یک هفته تحقیقات محلی و بازجویی‌های مکمل تحقیقات نیز ادامه یافت و «نتایج بسیار ارزشمندی طی این مدت کم بدست آمد که دیگر در اختیار گروه بازرسی نیز به دلیل ختم ماموریت آنها قرار نگرفت. این تحقیقات مستندات محکمه پسندی است که محکمت این پرونده بی بدیل را قابل دفاع در هر دادگاهی مینماید» به این ترتیب آنچه در ظرف یکسال انجام نشده بود ناگهان در ظرف یک هفته انجام شد و دلایل محکمه پسند بدست آمد!

از این دوران و پس از اعلام گزارش هیئت بررسی منتخب رئیس جمهور است که زمان به زبان بازجویان سابق پرونده متهمان قتل‌های زنجیره ای به جریان می‌افتد و احتمالا از همین زمان است که اندیشه انتشار جزوه ۸۷ صفحه ای برای نشان دادن اراده آنان برای نجات خود به هر قیمت لازم در ذهن آنان شکل می‌گیرد.

از این تاریخ است که ضمنا برای نخستین بار امکان ملاقات با متهمان پرونده بوجود می‌آید، بطوری که مروی معاون اول رئیس قوه قضاییه به محل نگهداری متهمین مراجعه کرده، با بازجویان و یکی از متهمین یعنی «فهیمة دری نوگورانی» همسر سعید امامی ملاقات میکند. زنی که بازجویی از وی در زندان سازمان قضائی نیروهای انتظامی، مطابق فیلم ویدئویی موجود از این بازجویی‌ها سندی است تاریخی! نویسندگان جزوه ۸۷ صفحه ای مدعی هستند که نامبرده همه اتهامات وارده را پذیرفت اما اظهار تعجب کردند که چرا روز بعد وی را برای ۴ ساعت به دفتر رئیس قوه قضاییه بردند. نتیجه این جلسه ۴ ساعته آن است که بدستور مروی بازجویان متهمان پرونده قتل‌های زنجیره ای مکلف به خروج از بازداشتگاه برای همیشه شدند.

اما در این زمان هنوز یک هفته مهلت تهیه گزارش نهایی تمام نشده و بازجویان همچنان به تکمیل گزارش خود مشغول بودند که نتیجه آن در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۰ در ۵۲ صفحه و حدود ۱۶۰۰ صفحه پیوست در سه نسخه برای رهبر، رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه ارسال گردید.

این گزارش دیگر دردی را نمیتوانست درمان کند. از سازمان قضایی نیروهای مسلح خلع ید شده و کمیته جدیدی مرکب از حجت الاسلام احمدی از قوه قضاییه و حمید ستمدی از سوی رئیس جمهور کلیه پرونده ها را تحویل گرفتند.

در بیرون، بازجویان متهمان قتل‌های زنجیره ای از سوی همکاران سابق خود مورد شتم و تهدید قرار گرفتند. این وضع به گفته نویسندگان جزوه ۸۷ صفحه ای «فضای وهم الودی ایجاد نمود که حتی آخرین تحلیل مقام معظم رهبری در جمع کارکنان وزارت اطلاعات در ماه مبارک سال جاری که از فتنه سعید اسلامی و باند او، تعبیر دندان فاسدی که باید کامل برکنده شود نموده بودند نیز به فراموشی سپرده شد»